

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و سوم ۹۷/۰۸/۲۲

موضوع: رسالت اصلی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در جشن‌های عید الزهراء

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

پرسش:

به گفته «کافی» قرآنی که بر پیغمبر اکرم نازل شده بود، هفده هزار آیه داشت. آیا این اعتقاد به تحریف قرآن نیست؟

پاسخ:

اولاً این عبارت تصحیف است. تعبیری که هفده هزار آیه بوده است، در نسخه‌های دیگر به این شکل نیست. علاوه بر این در اینجا ما چند جواب به این سؤال دادیم.

«و فی سائر النسخ و المطبوع: «سبعة عشر ألف». و قال المحقق الشعرانی: «أقول: أمّا كلمة سبعة عشر ألف آية فی هذا الخبر، فكلمة «عشر» زیدت قطعاً من بعض النسخ أو الرواة. و سبعة آلاف تقرب، كما هو معروف فی إحصاء الامور»

کافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: دارالحدیث، ج ۴، ص ۶۷۵، پ ۱

بعد از آن «فیض کاشانی»، «موسی جار الله» و «ابوزهره» همگی که از «کافی» نقل کردند تماماً «سبعة آلاف» آوردند، نه «سبعة عشر»!

خود آقایان از «عمر بن خطاب» نقل کرده اند که قرآن کریم یک میلیون و بیست و هفت هزار حرف داشته است؛

«وَأَخْرَجَ الطَّبْرَانِيُّ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ مَرْفُوعًا: الْقُرْآنُ أَلْفُ أَلْفِ حَرْفٍ وَسَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ حَرْفٍ»

عمر می گوید قرآن یک میلیون و بیست و هفت هزار حرف (۱,۰۲۷,۰۰۰) است!

الإتقان في علوم القرآن؛ المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱هـ)، المحقق:

محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة: ۱۳۹۴هـ / ۱۹۷۴ م؛ ج ۱، باب التَّوَعُّ النَّاسِغُ

عَشْرًا: فِي عَدَدِ سُورِهِ وَأَيَاتِهِ وَكَلِمَاتِهِ وَحُرُوفِهِ، ص ۲۴۲

حال آنکه طبق آنچه در قرآن کریم هست و «قرطبی» هم دارد، قرآن سیصد و چهل هزار و هفتصد و چهل حرف بیشتر ندارد. یعنی یک سوم آن چیزی است که از قول عمر نقل کردند. این روایت در کتاب «إتقان» روایت موثقی است و از دیدگاه آقایان روایتی معتبر است.

در هر صورت...

با توجه به ایام عید الزهراء، بنده چند نکته‌ای را خدمت دوستان عرض می‌کنم. ما سه شب در مدرسه فیضیه بعد از نماز مغرب و عشاء برنامه داشتیم که دو شب آن را در رابطه با شاخصه‌های وحدت و اجتناب از تفرقه میان امت اسلامی بحث کردیم.

دوستان عزیز ما باید مقداری در اعمال و رفتارمان دقت کنیم، زیرا جلساتی گرفته می‌شود و در این جلسات به مقدسات اهل سنت توهین می‌شود. در این جلسات فحاشی‌های رکیک می‌شود، به طوری که وقتی صدای بعضی از این جلسات را شنیدم دیدم که این حرفهایی که در این مجالس زده می‌شود، از ادبیات اسلامی به دور است. در این جلسات تعابیر و اشعاری می‌خوانند که به نظر بنده تک تک این اشعار تعزیر دارد و به هیچ وجه به صلاح ما نیست.

بنده در سال ۱۳۸۲ در مدینه بودم؛ آنجا فایل صوتی یکی از مجالس عید الزهراء قم را به عربستان آورده بودند و با ترجمه عربی با تیراژ میلیونی تکثیر کرده بودند و در سطح کشور عربستان توزیع کرده بودند و می‌گفتند: "ای مردم! این جشن عید الزهرا در قم مرکز مرجعیت شیعه است." آن‌ها داشتند همه مردم را علیه ایرانیان و تشیع تحریک می‌کردند.

بنده قطع دارم که حضور در این جلسات قطعاً خلاف شرع و حرام بین است. آیت الله بهجت فرمایشی دارند که اگر دوستان به اینترنت مراجعه کنند، شاید فرمایش ایشان در بیش از دویست یا سیصد سایت موجود باشد.

دوستان در گوگل کلمات "بهجت + عید الزهراء" را سرچ کنند؛ خواهند دید که ایشان می‌گویند: اگر کسی در قم و تهران و کاشان و شهرهای دیگر به عنوان عید الزهرا جشن بگیرد و در آن طرف دنیا نسبت به یک شیعه هتک حرمت کنند یا خون از بینی یک شیعه بریزد، شما در آن جرم سهیم و شریک هستید.

عزیزان دقت کنند که خدای ناکرده ما کاری نکنیم تا فردای قیامت با یک پرونده سنگین مواجه شویم، در حالیکه؛

(وَهُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِبُونَ ضُئلاً)

با اینحال گمان می‌کنند کار نیک انجام می‌دهند!

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۰۴

ما تصور نکنیم که کار خوبی انجام می‌دهیم. بحث «تبری» از ضروریات دین است. نه فقط از ضروریات مذهب. به تعبیر آیت الله شبیری زنجانی اگر تبری نباشد، تولی معنا پیدا نمی‌کند.

اگر شما هزار مرتبه «الله» بگویید، مادامی که «لا اله» نیاید «الله» گفتن موجب نجات شما نیست. کفار قریش هم «الله» می‌گفتند؛

(وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولُنَّ اللَّهُ)

هر گاه از آن‌ها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟ می‌گویند: الله.

سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۶۱

در بحث «تولی» هم اگر ما نسبت به افراد تبری نکنیم، تولى معنا پیدا نمی‌کند. البته تبری تنها مربوط به شیعه نیست؛ اگر شما در کتاب «سیر أعلام النبلاء» شرح حال «رواجنی» یکی از روات «صحيح بخارى» را بخوانید، می‌بینید که وارد شده است:

«من لم يبرأ فى صلاته كل يوم من أعداء آل محمد حشر معهم»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسى، ج ۱۱، ص ۵۳۶.

باب ۵ الرواجنى خ ت ق

این روایت در کتاب «میزان الاعتدال» و کتب دیگر هم وارد شده است که اگر ما بعد از نماز از اعداء آل محمد تبری نکنیم و آنها را لعن نکنیم، معلوم نیست این نماز قبول باشد یا نباشد.

نسبت به امام صادق (علیه السلام) وارد شده است:

«سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَلْعَنُ فِي ذُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ - التَّيْمِي وَ الْعَدَوِي وَ فُغْلَانٍ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَسْمِيهِمْ وَ فُلَانَةً وَ فُلَانَةً وَ هِنْدَ وَ أُمَّ الْحَكَمِ أُخْتِ مُعَاوِيَةَ»

تهذيب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۲، ص ۳۲۱.

ح ۱۶۹

این روایت را «کلینی» هم نقل کرده است در کتاب «کافی» جلد ۳ صفحه ۳۴۲. البته این روایت کتاب «کافی» مقداری از نظر سند مشکل دارد. ولی روایت تهذیب، صد در صد صحیح است.

«مرحوم مقدس اردبیلی» در کتاب «مجمع الفائدة و البرهان» این روایت را نقل می‌کند و می‌گوید: یکی از تعقیبات نماز لعن اعداء اهل بیت است. دقت داشته باشید لعن در تعقیب نماز سفارش شده است، نه در مسجد یا بالای منبر یا مکان‌های عمومی یا جلوی خانواده!

ما باید مقداری دقت کنیم تا خدای ناکرده با دست خودمان کاری نکنیم که هم شیعه را در سطح جهان زیر سؤال ببریم و هم فردای قیامت برای خودمان دردسر درست کنیم.

اگر واقعاً دوست دارید نسبت به دشمنان اهل بیت و دشمنان حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) اقدامی انجام دهید، بیایید ظلم‌هایی که به اهل بیت شده است را از منابع اهل سنت با سندهای صحیح بررسی کنید و در فضای مجازی منتشر کنید یا برای اطرافیان نقل کنید.

همین روایتی که در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفِيَتْ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر،
الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۱۲۶، ح ۲۹۲۶

ما بیاییم این روایات را منتشر کنیم. همچنین در روایت دیگری در این کتاب وارد شده است:

«فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمُهُ حَتَّى تُؤْفِيَتْ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر،
الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

همچنین ماجرای هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا را برای مردم بیان کنیم که کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد اول صفحه ۵۶۸ این قضیه را با سند صدرصد صحیح نقل می‌کند. همچنین «تاریخ طبری» در جلد دوم صفحه ۴۴۲ این قضیه را نقل می‌کند. «ابن تیمیه» هم در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد هشتم صفحه ۲۹۱ می‌گوید:

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ٨، ص ٢٩١، فصل قال الرافضي الثامن قوله في مرض

موته ليتنى كنت تركت بيت فاطمة لم أكبسه

مراد از «كَبَسَ» این است که به زور وارد خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) شدند تا ببینند حضرت از بیت المال چیزی را دزدیده است!! تا آن‌ها بیرون بیاورند و میان مسلمانان توزیع کنند، یا خیر!

بیان این روایات بسیار خوب و عالی است. طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خطبه ٢٠٦ «نهج البلاغه» که می‌فرمایند:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ»

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید.

«وَلَكِنَّكُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ خَالَئَهُمْ كَانَ أَضُوبَ فِي الْقَوْلِ وَابْتَلَعَ فِي الْعُدْرِ»

اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید به سخن راست نزدیک‌تر و عذر پذیرتر بود.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ٣٢٣، خ ٢٠٦ و من

كلام له ع و قد سمع قوما من أصحابه يسبون أهل الشام أيام حربهم

این فرمایش حضرت باید برای ما الگو باشد. ما باید تلاش کنیم به جای فحش دادن، ناسزا گفتن و به کار بردن بعضی از الفاظ نامناسب بیاییم عملکرد خلفا را نسبت به اهل بیت و حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) بیان کنیم.

یقین داشته باشید که اگر با این کار شما ایمان چند تن از بچه شیعه‌ها نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) تقویت شود و بغضش نسبت به دشمنان حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیه) بیشتر شود، قطعاً ثواب برده‌اید.

همچنین اگر با این کار سبب شوید حقیقت رابطه امیرالمؤمنین با دیگران - که می گویند رابطه حضرت امیر با خلفاء چنین بوده، چنان بوده - برای بچه شیعه‌ها روشن شود و چه بسا موجب هدایت یک انسان شود. پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین فرمودند:

«لَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاجِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»

اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۲، ص ۴۴۸،

ح ۳۹۴

بنابراین دوستان در این ایام دقت کنند تا هم خود را به این کار ملتزم کنند و هم دیگران را ملتزم کنند. ما باید تلاش کنیم معارف اهل بیت را بیان کنیم و مظلماه‌ای که نسبت به اهل بیت شده است را با زبان نرم و زبان خوش و بدون هیچ حاشیه‌ای برای مردم بازگو کنیم.

ما باید مظلالم اهل بیت را برای اهل سنت بیان کنیم و به آن‌ها بگوییم که این مطالب در کتب شما آمده است. چه جوابی برای این مطالب دارید؟! بنده از عزیزان تقاضا می‌کنم که مقداری روی این قضیه دقت کنند.

بعضی افراد به بهانه وحدت چوب حراج بر تراث شیعه می‌زنند که قطعاً این کارها هم مرضی خدا و مرضی اهل بیت (علیهم السلام) نیست. شکی نیست که وحدت یکی از مسائل ضروری دینی و قرآنی است؛

(وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۰۳

ما امروز باید تلاش کنیم تا بتوانیم در جامعه، تمام ملت اسلامی با همه گرایش‌های مختلف را در برابر دشمن واحد بسیج کنیم. امروز دشمنان به دنبال این هستند که مسلمانان را به دست مسلمانان از بین ببرند!

زمانی که آمریکا عراق و افغانستان را تصرف کرد و جنازه سربازان آمریکایی که در آنجا کشته می‌شدند را به آمریکا برگرداندند، غوغا به پا می‌شد و مردم علیه دولت آمریکا تظاهرات می‌کردند.

دولت آمریکا برای جلوگیری از این وقایع طرح ریختند که بیایند به جای آنکه سربازان آمریکایی را به کشتن بدهند، بیایند مسلمانان را به جان هم بیندازند. بنابراین پروژه مسلمان کشی به دست مسلمانان را راه اندازی کردند.

در حال حاضر دشمنان در عراق و سوریه و یمن مسلمانان را به دست مسلمانان می‌کشند. اگر واقعاً آمریکا می‌خواست حکومت حوثی‌ها را در یمن از بین ببرد، می‌توانست در عرض یک روز این کار را انجام دهد.

مگر همین آمریکایی‌ها نبودند که در عرض بیست و چهار ساعت دولت صدام را با آن اقتدار نابود کردند. اگر این افراد بخواهند دولت دست خالی یمن را از بین ببرند، در عرض چهار، پنج ساعت از بین می‌برند.

این افراد به دنبال این هستند که این جنگ ادامه پیدا کند تا اولاً مسلمانان به دست مسلمانان کشته شوند و ثانیاً بازاری برای اسلحه‌هایشان باشد!

رئیس جمهور فرانسه رسماً اعلام می‌کند: "ما نمی‌توانیم جلوی فروش اسلحه به عربستان بگیریم، زیرا باعث می‌شود چند صد هزار نفر در فرانسه بیکار شوند."

ببینید رئیس جمهور فرانسه می‌گوید برای اینکه مردم در فرانسه بیکار نشوند، ما باید به عربستان اسلحه بدهیم تا مسلمانان را در آنجا تکه تکه کنند.

در حال حاضر هم، در قضیه الحدیده، بچه‌های یمن بسیار در فشار هستند. واقعاً سقوط این بندر تمامی قضایا را به هم می‌زند. بنده هرشب برای این عزیزان دعا می‌کنم و امشب هم قبل از اذان از صمیم دل، مردم یمن را دعا کردم.

به نظر بنده عزیزان هم توسلی داشته باشند و با دعای توسل، جوشن صغیر یا قاموس قدرت و دیگر ادعیه، برای پیروزی عزیزانمان در یمن دعا کنند تا آن‌ها پیروز شوند. گرچه اخیراً جنگ به داخل شهر کشیده شده است. دولت عربستان بیمارستان‌ها را خراب کرده، مساجد را از بین برده و وحشیانه جلو می‌رود.

بنابراین امروز آمریکا نه کاری به سنی دارد و نه کاری به شیعه دارد. «نتانیاهو» در سال گذشته ماه رمضان سخنرانی کرد و گفت: "در سوریه و عراق از داعش کشته شود به نفع ماست و از سنی‌ها و شیعیان هم کشته شوند به نفع ماست." دشمنان علناً دارند اهداف خود را می‌گویند، حال افراد احمقی همانند دولت‌های فاسد حاشیه خلیج فارس و عربستان سعودی هم در منطقه هستند که یا نمی‌فهمند یا خود را به نفهمی زدند.

در حال حاضر چهار سال است که آن‌ها به این کار ادامه می‌دهند. قرار بود این وضعیت یک هفته ای تمام شود، اما الآن چهار سال است. مشاهده کنید در طول این چهار سال این افراد چقدر پول سلاح به آمریکا و اروپا دادند.

الان دنیا به دنبال این است که پروژه مسلمان‌گشی را به دست مسلمان راه اندازی کند و این را هم ادامه بدهد. بنابراین باید تلاش کنیم که مسلمانان در صف واحد و در برابر دشمن واحد بایستند.

همچنین از ذکر بعضی مطالبی که در این ایام در فضای مجازی یا بعضی از رسانه‌ها مطرح می‌شود خودداری کنیم. قطعاً این افراد اگر عقل داشته باشند، می‌دانند بیان این مطالب به صلاح شیعه نیست.

در اینطور قضایا شیعه بیش از سنی ضرر می‌کند و خسارتی که با این تندها بر شیعه وارد می‌شود، چندین برابر خسارتی است که بر اهل سنت وارد می‌شود.

بعضی افراد تصور می‌کنند که اگر در یک فضای ماهواره‌ای رفتند و چندین مرتبه «[عایشة فی النار](#)» بگویند کار درست می‌شود؟ آیا اگر ابوبکر را کافر بگویند کار درست می‌شود؟ شب اول که در فیضیه سخنرانی داشتم، یکی از بزرگواران آیه:

(إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا)

اگر از کار خود توبه کنید (به نفع شما است) زیرا دل‌هایتان از حق منحرف گشته.

سوره تحریم (۶۶): آیه ۴

آورده است و پرسید: "حاج آقا این آیه دلیل بر این نیست که عایشه کافر است؟" بنده در جواب گفتم: عزیز من! شما کفر عایشه را ثابت کردید. ثم ماذا؟ با این کار کجا را فتح می‌کنید؟ جز اینکه کینه عده‌ای از افراد را به شیعه بیشتر کنید چیز دیگری هم هست؟

شما به جای این حرف‌ها عملکرد این افراد را برملا کنید و واقعیت جنگ جمل که سی هزار نفر کشته برجای گذاشت را برای مردم بازگو کنید. برای مردم بگویید که چرا این افراد این کار را انجام دادند.

«الزهري قال ثم ظهرا يعني طلحة والزبير إلى مكة بعد قتل عثمان رضی الله عنه بأربعة أشهر»

زهري می‌گوید طلحه و زبیر چهار ماه بعد از قتل عثمان به مکه رفتند.

«وابن عامر بها يجر الدنيا وقدم يعلى بن أمية معه بمال كثير وزيادة على أربعمائة بعير»

ابن عامر در آنجا تجارتی داشت و یعلی بن امیه هم اموال زیادی به همراه چهارصد شتر در اختیار آنان قرار داد.

«فاجتمعوا في بيت عائشة رضی الله عنها فأرادوا الراي فقالوا نسیر إلى علی فنقاتله»

آن‌ها در خانه‌ای که عایشه در آنجا بود جمع شدند و گفتند: ما می‌رویم تا با علی بن ابی طالب بجنگیم.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۳،

ص ۹، باب خروج علی إلى الربذة یرید البصرة

شما بیائید این مطالب را برای مردم بیان کنید. این مطالب را به جای این حرف‌ها برای مردم بیان کنید. شبهاتی که وهابیت مطرح می‌کنند را پاسخ بدهید. اگر گفتن اینکه "فلانی کافر است" یا "فلانی مشرک است" مشکلی را حل می‌کند به ما هم یاد بدهید تا ما هم با شما هم صدا باشیم.

و اگر این کار، مشکلی بر مشکلات اضافه می‌کند، چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی. بنابراین بنده خواستم این نکته را خدمت عزیزان بیان کنم.

امشب هم در مسجد امام سجاد برنامه داریم. فرداشب هم در مسجد امام هادی برنامه داریم. سه شب گذشته هم در مدرسه فیضیه بودیم، ان شاءالله بتوان از این فرصت‌ها استفاده کرد و زمینه هم فراهم هست که حداقل اگر چند تن از طلاب حرف ما را گوش بدهند خودش نعمت بزرگی است.

بنده همان شب اول بحثی داشتم در رابطه با اینکه مراد از «وحدت» چیست. آیا به این معناست که ما از اصول خود دست برداریم و به نام وحدت از معتقدات خود عقب نشینی کنیم؟ که گفتیم این امر معقول نیست.

بنده عبارت «شهید مطهری» را در این جلسات نشان دادم. ایشان در کتاب «امامت و رهبری» به صراحت می‌نویسند:

"ما شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل بیت (علیهم السلام) را داریم. کوچک‌ترین چیزی حتی یک مستحب یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی‌دانیم. نه توقع کسی را در این زمینه می‌پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند."

قضیه این است، ولی بعضی از بزرگواران در گوشه کنار، چوب حراج بر تراش شیعه می‌زنند و ادعا می‌کنند که ما باید برای وحدت، چنین و چنان کنیم. اخیراً تا حدودی بساط این افراد جمع شده است، اما در گوشه و کنار باز هم شاهد آن هستیم.

این افراد تصور می‌کنند که اگر از چند تن از اهل سنت و از امام اعظم آن‌ها تجلیل کردند، کار خوبی کردند. همین الآن که بنده در اتاق اساتید بودم، یکی از بزرگواران کلیپی را از یکی از آقایانی که از قم به زاهدان رفته بود به بنده نشان داد. که گفته بود: "امام اعظم «ابوحنیفه» باید برای ما نماد و الگو باشد."

ما هم در جواب ایشان گفتیم: ان شاءالله خداوند شما را با «ابوحنیفه» محشور کند و ما را هم با امام صادق (سلام الله علیه) محشور کند.

درست نیست که ما فرزند حوزه علمیه و شاگرد امام صادق باشیم، اما چنین حرف‌هایی بزنییم و چوب حراج بر تراش اهل بیت بزنییم تا چند تن از اهل سنت خوشحال بشوند و برای حرف‌های ما کف بزنند!!

آیا امام خمینی این کار را کردند؟ آیا وصیتنامه امام با این تندی و این شدت برای ما کافی نیست؟ شما ببینید اهل سنت مقام معظم رهبری را به عنوان وحدت شکن معرفی کردند. مشاهده کنید در یکی از سایت‌های اهل سنت نوشته شده است:

" در سخنرانی مقام معظم رهبری در چهاردهم خرداد، سوابق طولانی و درخشان «طلحه» و «زبیر» در صدر اسلام و سپس تغییر موضع آنان و برخورد قاطع امیرالمؤمنین با «طلحه» و «زبیر» به عنوان نمونه تاریخی از ضرورت توجه به حال کنونی افراد در هرگونه قضاوت و ارزیابی بیان شد."

مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی در سال ۱۳۸۹ گفتند: "«طلحه» و «زبیر» با وجود سوابقی که داشتند تغییر موضع دادند. امیرالمؤمنین هم با آنها برخورد قاطعی کرد." همین!

«عبدالحمید» رسماً اعلام کرد که این کار ایشان توهین به اهل سنت است. او فرمایشات ایشان را به عنوان توهین به اهل سنت بیان کرد و گفت: "«طلحه» و «زبیر» یکی از بزرگان صحابه و از سابقین اولین بودند. در سوره مبارکه:

(وَ السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنها که به نیکی از آنها پیروی کردند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۰

این دو نفر مورد تمجید قرار گرفتند. «طلحه» و «زبیر» جزو عشره مبشره هستند که در احادیث گهربار آن حضرت بشارت صریح بهشت به آنان داده شده است. و جامعه اهل سنت به همه یاران رسول الله خصوصاً خلفای راشدین و بزرگان صحابه احترام خاصی قائل اند و آنان را جزو مقدسات خود می‌دانند."

بعد می‌گوید: "اهل سنت هیچگاه تصور نمی‌کردند که مقام معظم رهبری که همواره نسبت به اهانت به بزرگان و مقدسات یکدیگر به کرات هشدار داده‌اند، این تشبیه را در مراسم سالگرد ارتحال امام راحل به کار ببرند. این حرف ایشان مایه نگرانی اهل سنت در سطح کشور شده است."

مشاهده کنید که معتقد هستند ما واقعیت تاریخی را نباید بگوییم. این افراد نسبت به مقام معظم رهبری اینطور جسورانه و با این وقاحت حرف می‌زنند. اما «طلحه» و «زبیر» که در برابر خلیفه چهارم قیام کردند و به قصد کشتن علی بن ابی طالب رفته بودند و سی هزار انسان را به کشتن دادند، کارشان اشکالی ندارد. این دو نفر مجتهد بودند و اجتهاد کردند و ثوابی هم برده‌اند!!

در نامه‌ای که بنده برای «پروفسور غامدی» می‌نوشتم، آیت الله شبیری زنجانی دستور دادند مطلبی اضافه کنم و آن اینکه کسانی که با امیرالمؤمنین می‌جنگیدند، آیا حضرت را هم جزو عشره مبشره می‌دانستند؟

آیا امیرالمؤمنین هم جزو عشره مبشره بودند یا خیر؟ این افراد آمده بودند امیرالمؤمنین را بکشند تا زودتر به بهشت بروند یا اینکه می‌خواستند امیرالمؤمنین را به عنوان اینکه دشمن و اهل جهنم است می‌خواستند بکشند؟

حاج آقای شبیری گفتند از آنها پرسید که برای شما توضیح بدهند «طلحه» و «زبیر» که برای جنگ با امیرالمؤمنین آمده بودند، با چه قصدی بود؟ آیا آن‌ها می‌خواستند امیرالمؤمنین را بکشند و به بهشت بفرستند یا می‌خواستند حضرت را به جهنم بفرستند؟

اگر واقعاً امیرالمؤمنین اهل بهشت است، جنگیدن با بهشتی خود خلاف است. و اگر نستجیر بالله این افراد امیرالمؤمنین را اهل جهنم می‌دانستند و می‌خواستند حضرت را بکشند و به جهنم بفرستند، شما تکلیفتان را روشن کنید. به قول معروف شترسواری دولا دولا نمی‌شود!! خیلی رُک بگویید که علی بن ابی طالب از دیدگاه این آقایان از دین بیرون رفته است.

اگر به منابع تاریخی مراجعه کنید، می‌بینید که وقتی صحابه از «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» می‌پرسند که مگر شما با امیرالمؤمنین بیعت نکردید؟ گفتند: بیعت کردیم، اما علی بن ابی طالب، «غیر و بدّل»؛ علی بن ابی طالب از دین بیرون رفته است.

«احنف بن قیس» نزد عایشه، طلحه و زبیر رفت و از آنها درخواست کمک کرد. بعد از آنکه آنها قصد جنگ با امیرالمؤمنین را کردند، او نزد آنها رفت و گفت: شما را به خدا سوگند من از شما مشورت گرفتم که با چه کسی بیعت کنم؛

«فقلت یا زبیر یا حواری رسول الله یا طلحة نشدتکما بالله أقلت لکما من تأمرانی به فقلتما علیا»

سپس گفتم: ای زبیر حواری رسول الله ای طلحه شما را به خدا سوگند من از شما مشورت گرفتم یا نه که شما به من امر کردید با علی بیعت کنم؟

«فقالا نعم ولكنه بدل»

آنها گفتند: بله، ولی او تغییر کرده است.

المصنف فی الأحادیث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ١٩٧، ح ٣٠٦٢٩

این قیام بر ضد خلیفه، اشکالی ندارد، اما اینکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: "«طلحه» و «زبیر» با وجود سوابق درخشانی که دارند، تغییر موضع دادند و امیرالمؤمنین هم با آنها با قاطعیت برخورد کرد" به این حرف اعتراض می‌کنند. مقام معظم رهبری توهین نکردند، بلکه حقیقت تاریخی را بیان کردند. ولی اهل سنت می‌گویند که به مقدسات اهل سنت توهین شده است و ما توقع نداریم.

دوستان عزیز ما هر کاری بخواهیم کنیم، اهل سنت به یک جای کار ایراد می‌گیرند. تنها رضایت این افراد در این است؛

(وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (بطور کامل تسلیم خواسته‌های آنها شوی و) از آئین (تحریف یافته) آنان پیروی کنی.

سوره بقره (٢): آیه ١٢٠

اگر روزی ما از شیعه‌گری و اعتقاد به اهل بیت دست برداریم، اهل سنت از ما راضی می‌شوند.

بنده همان شب اول در فیضیه که این مطلب را گفتم، بعضی افراد در فضای مجازی داد و بیداد و توهین و فحاشی کردند که چرا آقای قزوینی به رهبران تقریب اهانت کرده است!

من گفتم: خداوند از سر تقصیرات همه ما بگذرد؛ آقای «واعظ زاده خراسانی» در مجله «نهیج البلاغه» شماره ۴ و ۵ مصاحبه‌ای در خصوص راهکار وحدت داشت. بنده از عزیزان تقاضا دارم این مجله را مطالعه کنند.

ایشان در این مجله می‌گویند: "اگر ما بخواهیم وحدت برقرار شود، باید دو کار انجام بدهیم؛

کار اول این است که دست از منصوص الخلافه بودن امیرالمؤمنین برداریم، زیرا با تکیه بر منصوص الخلافه بودن امیرالمؤمنین اهل سنت از ما ناراحت می‌شوند و می‌گویند: شما صحابه را زیر سؤال بردید. پیغمبر اکرم فرموده است که علی بن ابی طالب خلیفه است، اما صحابه زیر سؤال نرفتند.

کار دوم این است که به دنبال مشروعیت خلافت شیخین باشیم. من از طلبه‌ها و دانشجویان تقاضا می‌کنم که به دنبال دلیل بگردند."

آیت الله سبحانی به بنده زنگ زدند و گفتند که برای آقای «واعظ زاده خراسانی» جوابی بنویسید. بنده گفتم: من جوابی نمی‌نویسم. ایشان دلیل این کار را پرسید و من گفتم: ایشان در «مجله هفت آسمان» مطالب سخیفی گفت و شخص شما جواب دادید و آیت الله سند جواب داد، آیا ایشان دست برداشت؟

آقای «دین پرور» از تخصصی «نهیج البلاغه» به من زنگ زد و گفت: آقای قزوینی! تنها کسی که می‌تواند جواب خوبی بنویسد شما هستید. من به ایشان گفتم که من نمی‌نویسم.

آیت الله خزعلی هم که یکی از اعضای هیئت تحریریه مجله «نهیج البلاغه» بود، به منزل ما آمد و گفت: شما به این مجله جوابی بنویسید.

ایشان بعد از نهار استراحتی کردند و وقتی که بلند شدند، می‌خندیدند. وقتی علت خنده ایشان را پرسیدم، گفت: الآن که خوابیده بودم، خواب دیدم در جایی هستیم که من و شما در کنار امام رضا (علیه السلام) قرار داریم.

شما تیری را هدف گرفتید، می‌خواهید جایی را هدف قرار بدهید و دو دل هستید. امام رضا به شما فرمودند: آقای قزوینی تیر را بزن و نترس. حضرت به من هم فرمودند: آقای خزعلی به آقای قزوینی بگو بزند. شما هم زدید و به هدف خورد.

تعبیر ایشان از این خواب این بود که آقای «واعظ زاده» خراسانی و امام رضا هم خراسانی هستند. حضرت می‌خواهند که شما جواب بنویسید.

ما با خواب ایشان شیر شدیم و در عرض یک هفته یک جواب ۶۰ صفحه‌ای نوشتیم. در حال حاضر اگر بنده بخوام چنین جوابی بنویسم شاید یک ماه و نیم طول بکشد. بنده همین دو شب پیش که این جوابیه را می‌خواندم تعجب کردم که آیا این مطالب را من نوشتم!؟

در آن زمان کامپیوتر و امثال این هم وجود نداشت، بنده عنایت امام رضا را در آن مقاله دیدم. بنده این مقاله را خدمت آیت الله سبحانی دادم و ایشان از اول تا آخر را دیدند و دست خط ایشان را دارم.

بنده همچنین این مقاله را خدمت آقای «میلانی» و آیت الله شبیری زنجانی دادم و در نهایت آقای «بوشهری» هم این مقاله را خواندند. ایشان دستور دادند مطالبی را حذف کنم و با اینکه بنده صددرصد مخالف حذف این مطالب بودم، اما به احترام ایشان آن عبارات را حذف کردم و در نهایت این مقاله را برای چاپ فرستادیم.

بعد از این مقاله آقایان وحدتی‌ها فحشی نبود که به بنده ندادند و توهینی نبود که به من نکردند. هنوز هم که هنوز است در فضای مجازی از آن جواب می‌سوزند.

مجله «نهج البلاغه» شماره چهار و پنج سخنرانی ایشان است و مقاله شماره ۶ جوابیه بنده است. این مقاله در کتابخانه مجازی مرکز نور هست. کسانی که در آنجا عضو هستند، می‌توانند با پرداخت مبلغی به حساب مرکز نور، این مقاله را دانلود کنند.

همچنین جوابیه بنده در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» تحت عنوان «سخنی با واعظ زاده خراسانی» موجود است.

البته ایشان پس از آن مقاله، این بار در مجله «حوزه» صحبت هایی کردند. حاج آقای بوشهری به من زنگ زد و گفت: آقای قزوینی! از شما انتظار هست و شما می‌توانید جواب بدهید.

آقای واعظ زاده خراسانی در آن مجله، از بنی امیه تجلیل کرده بود. ما باز هم می‌خواهیم که خداوند از سر تقصیرات همه ما بگذرد. هرکسی لغزشی دارد و شاید ما لغزش‌های دیگری داریم.

بنده تقریباً سه جوابیه نوشتم که در مجله «افق حوزه» به چاپ رسید. جوابیه چهارم و پنجم را چاپ نکردند و ما در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» گذاشتیم.

بنده پنج جوابیه نوشتم مبنی بر اینکه بنی امیه ارزش دفاع کردن ندارد که ما بخواهیم از بنی امیه تجلیل کنیم. ان شاءالله خداوند به حق حضرت فاطمه زهرا همه ما را از لغزش‌ها حفظ کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته